آوای پرآو

AVAYPARAW

هفته‌نامه فرهنگی-اجتماعی

شنبه ۲۴ آذر ۱۳۹۷ * ۷ ربیع الثانی ۱۴۴۰ * ۱۵ دسامبر ۲۰۱۸ * شماره نوزدهم

قیمت: ۵۰۰ تومان

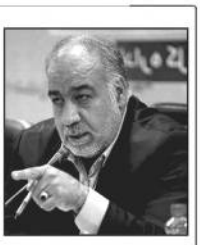

استاندار کرمانشاه:

همایش سرمایه گذاری استان ۱۷ دی ماه در تهران برگزار می شود

استاندار کرمانشاه گفت: همایش توسعه سرمایه گذاری استان در ۱۷ دی ماه سالجاری در تهران برگزار می شود که از ۱۵۰۰ سرمایه گذار برای حضور در این همایش دعوت شده است.

۴

هیچ دانش‌آموزی به دلیل فقر نباید از تحصیل دور بماند

مدیرکل آموزش و پرورش استان کرمانشاه گفت: هیچ دانش‌آموزی نباید به دلیل فقر و شرایط مادی و اقتصادی خانواده‌اش از تحصیل دور بماند.

۴

یادداشت سردبیر

کوچ یکی از واپسین شاعران و نظریه‌پردازان شعر حجم در ایران

عبدالله سلیمانی

منصور خورشیدی به عنوان آخرین بازمانده از جنبش شعری موسوم به شعر حجم ساکن در ایران یاد می‌شود زیرادرخارج از ایران بانی اصلی آن بدالله رویایی هنوزدرقیدحیات است وعمرش دراز باد!شناخت‌شعرحجم،بدون مطالعه ایشان سخت است. بخش‌عمده‌ی نظرات خورشیدی در مورد حجم، حاصل دریافت هایی است که در حوزه خلاقیت، تمرین وتجربه‌شده‌است به‌عبارتی این دانش‌تئوریک دربستردهنیات خلاقیت شکل‌گرفته وخروجی آن است وتوضیحی مطمئن ازخلاقیتی‌است که‌مرور زمان شامل آن می‌شود.متاسفانه‌آخرین شاعرشعرحجم در ایران پس از مدتها بیماری در روزپنجشنبه بیست و دوم آذرماه در بهشهر مازندران درگذشت واورا درزادگاه خود روستای خورشیدکلاته‌به‌خاک‌سپردندبه نظر می‌رسد تفکرات تئوریک خورشیدی بخشی از دانش تئوریک شعرمعاصر درکنارپژوهش‌های چون نیمایرالهی وروبایی باقی خواهد ماند ونیزنام‌ایشان درزمره نظریه‌پردازان شعرحجم بلکه شاخص‌هاباقی‌می‌ماند اتفاقن نسل امروز وآیندگان به اندوخته‌های نوشتاری وتئوریک زنده یادمنصور خورشیدی نیازمبرم دارد به نظر من پس ازآثارخود رویایی ،نوشته های منصور خورشیدی دقیق‌ترین ومنسجم ترین دانش تئوریک در زمینه شعرحجم است.مجموعه نوشته‌های تئوریک این شاعرمتنیای‌مطمئن بیمارمون بوطیقای شعرحجم است که اتفاق سلیس ومریح نوشته‌است.هرچندمباحث نظری ایشان را نباید تنها به شعرحجم محدود کرد زیرا بسیاری از نظرات ایشان بمساحت های بنیادین شعرفارسی مربوط می‌شودکه‌پرداختن به‌همه‌زوایای آن دراین یادداشت نمی‌گنجدحال مختصری پیرامون زندگی ادبی وآثارشعری‌وتئوریک ایشان به نقل از کانال جناب جوانروح آورده می‌شود: منصور خورشیدی در سال ۱۳۲۹ به دنیا آمد. وی‌کارشناس زبان و ادبیات فارسی ، دبیر و مدرس پیش دانشگاهی در آموزش و پرورش مازندران شاعر و منتقد شعر است و انتشار آثار خود را از دهه ۵۰ آغاز کرد از این شاعر و منتقد ادبی مقالات بسیاری در داخل و خارج کشور منتشر شده است.از میان فعالیت پربار این شاعر برجسته می توان به موارد زیر اشاره کرد.

منصورخورشیدی چاپ شعرهای خود را از دهه پنجاه آغاز کرد. ایشان پنج کتاب چاپ‌شده در کارنامه خود دارد:

۱- «خطابه‌های کهسال کودکی»۱۳۷۷ انتشارات خوارزمی

۲- «از فکرهای با تو» ۱۳۸۰ ، انتشارات نیمۂنگاه.۳ - «آبی ناگهان» فصل پنجم .۱۳۹۲

۴- «سجاده روی ماه بیندازِ» انتشارات نصیرا - ۱۳۹۳ .۵ : پروانه های پراکنده ـ نشر نگاه ۹۷

از این شاعر و منتقد شعر حجم در ادبیات معاصر ، مقالات بسیاری در داخل و خارج کشور منتشر شده‌است.

" لبریزی زبان " و " فرم و کارکرد کلمه در شعر حجم "، «خیرت عظیم حجم» و «بررسی شعرهای رویایی» شاعر و بانی شعر حجم ،«نقد و بررسی شعر معاصر» در داخل و خارج کشور - " مرز میان هوشیاری و دیوانگی " ،«مورزنالیسم جنجالی‌ترین مکتب ادبی جهان» و «بررسی مکتب‌های ادبی جهان»،«من سوم»، «سرشت باغتی انسان در جهان شعر» و " نوشت سرنوشت "از وی هم اکنون دو مجموعه شعر آماده ی چاپ است ازجمله:

۱ - رسم کبوتر

۲ - تاجر بزی خاکستر

مجموعه نقدهائی بر شعر معاصر ایران که در سایت های تخصصی ، ادبی ، " پیاده رو " ، " اوانگارد ها " و مجله ی بین المللی نوشتا و رسانه منتشر شده است وی دبیر بخش بررسی کتاب در سایت ادبی و تخصصی " پیاده رو " در نقد شعر و داستان بود.

فعالیت درسایت ادبی " اوانگاردها " به عنوان تئوریسین شعر حجم بخش دیگری از کارنامه ادبی این شاعرمعنازاست وی همچنین عضو هیأت تحریریه و منتقد شعر و ادبیات داستانی در برخی مجلات بین‌المللی از جمله :

مجله قلمک در سوئد، مجله شهروندمر کانادا، مجله نگاه در فرانسه و مجله آفتاب در نروژ و نگارش مقالاتی در کتاب‌های بین المللی " از حاشیه تا متن ". " نگاه ". شعر هانی در " قلمک "و " شعر به دقیقه ی اکنون " و " راهیان شعر امروز " نیز مجله ی بین المللی و سه زبانه " نوشتا " از دیگر فعالیت‌های این شاعر و منتقد شعر محسوب می شود در طول چهار دهه فعالیت ادبی ، مقالاتی در روزنامه ی " مردم سالاری " روزنامه ی " اطلاعات". " اعتماد ". آرمان ". " فرهیختگان " . " اینگار " و " بهار " دارد .

از چهره های فعال در زمینه ی شعر و ادبیات معاصر است که شعر های او به زبان " ترکی استانبولی "، " اسپانیائی ، فرانسه و انگلیسی " ترجمه شده و نظر منتقدان بسیاری را به خود جلب کرده است . ایشان نگاه ویژه ای به شعر و هستی کلمه دارد وباورداره ساده نویسی ، انحراف از شعراست وبه زبان شعر ضربه می‌زند وی می‌گوید:شعر ساده که سمت و سوی زبان روزمره داشته باشد توجه کسی را جلب نمی کند.

شاعر باید با زبان شعر حیرتی در ذهن مخاطب بیندازد . این حقیقت با بیان روایی مغایرت دارد وشعر ساده شاعر را به سمت ساده اندیشی هدایت می کند» ازنگاه ایشان زبان شعر ابدیت شعر را می سازد که ماندگاری آن را در جهان شعر حس می کنیم لذا براین باور است که:« امر مهمی که قیامت کلمات را در قامت یک قطعه شعر ، با چشم انداز جدید برابر مخاطب می نشاند قرار گرفتن شاعر در جهان واژه ها او را متوجه جهان بیرامون او می کند ، تا تصرفی در جهان کلمه داشته باشد . و این تصرف و تغییر در توان شاعران ساده نویس نیست » هرچند ایشان در همین منبع یادآوری می‌کند: وارد کردن زبان عامه از نوع نیما به غنای زبان می افزاید.نگاه خورشیدی به واژه ونقش آن شبیه دیدگاه‌های رویایی است لذا ایشان هم درتایید نظر استاد خود می گوید: تصرف شاعر در واقعیت کلمه مانور او را برای ارائه ی تغییر و خلق واقعیت تازه آماده می کند ومی‌گوید کار کرد کلمه در شعر ارتباط مستقیم با توانایی شاعر دارد«:مرورشعررویایی هم هم نظررویایی باورداره که شعررویایی ضدفرم وتکنیک زبانی است ودراشاره به سخن رویایی می نویسد: « قول رویایی " شعر نقل نیست ، روایت نیست . " اداره کردن رابطه ی کلمه هادر متن است.»

سروده هایی برای منصور خورشیدی

صفحه۲

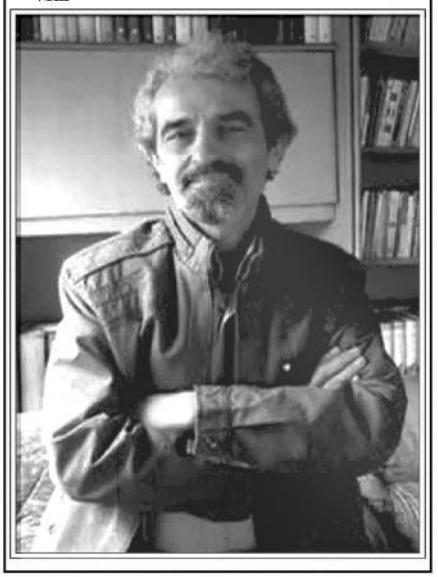

سریا داودی حموله

خوانش شعرهای منصور خورشیدی

... سفر از کدام سو آغاز می‌کنی؟ ...

ـ از من سوم / همزاد رمیده‌ام / حروف نام را / در خطابه‌ی پیامبران می‌خوانند / مجنون پریشان کدام قبیله‌ای / که خیمه روی هوش می‌زنی / آن‌گاه نیمی پَر / نیمی پرنده / روی مخرده‌ها / پرواز تازه / آغاز می‌کنی / زمان در رگان من / رویای سپید را / به ایمان خاک می‌سپارد / شبی که شعر / به اشارت انگشت / روی گونه‌های تو / می‌ریزد. / «آبی ناگهان»

صفحه۲

دل آرا فریدیان

این بار با باران می آیم

صفحه۳

ابراهیم محبی

چیستیِ هستی از نگاه بیژن جلالی

هستی شناسی و جهان نگری هنرمندان مهمترین مولفه برای کشف زرفاحت اثر و عواملی است که باعث آفرینش اثر هنری شده است، برای مثال ذهنیت طبیعت گرای منوچهری دامغانی، از او بزرگترین توصیف گر طبیعت در شعر فارسی ساخته است.

۳

شعر

شعری از یارمحمد اسدپور

صفحه۲

شعر

شعری از علیرضا پنجه‌ای

صفحه۲

شعر

شعری ازیزدان سلحشور

صفحه۳

نصب بی رویه بنر در سطح شهر ممنوع

معاون خدمات شهری شهرداری کرمانشاه از ساماندهی تبلیغات شهری در کرمانشاه خبر داد.

امیر رحیمی اظهار داشت: در سطح شهر خواسته ناخواسته فرهنگ چشم و هم چشمی در نصب بنر وجود دارد و گاهی اوقات اقدام به نصب بی رویه می کنند.

وی با بیان اینکه در گذشته تعداد پایه‌های نصب بنر بسیار کم بود، افزود: در این راستا با هماهنگی سازمان سیما، منظر و فضای سبز ۲۹ محل و ۳۰ پایه نصب شده است و در اختیار هیئت‌های مذهبی جهت نصب بنر در مناسبت‌های قرار گرفته است.

معاون خدمات شهری شهرداری کرمانشاه بیان کرد: در حال حاضر در سطح شهر حدود ۲۶۰ تا ۲۷۰ پایه استندی داریم و به نظر می آید این میزان کفایت می کند و قرار نیست همه شهر را به پایه استند تبدیل کنیم.

وی بیان کرد: همچنین ۹ هیئت شاخص را شناسایی و معرفی کردیم که در محل اصلی فعالیت آنها یک پایه ثابت نصب شده است که این پایه ها در مراسمات دینی بدون هیچ وجهی در اختیار هیئت‌های مذهبی قرار می‌گیرد.

رحیمی یادآور شد: همه دستگاه‌های مختلف از این تاریخ به بعد برای نصب بنر باید با هماهنگی سازمان سیما و منظر اقدام کنند چرا که تمام سعی ما این است که نصب بی رویه بنر از سطح شهر برچیده شود.وی گفت: در مناسبت هایی همچون لیلی قدر، شهادت حضرت زهرا(س)، ایام محرم و اربعین قوانین مستثنی از این موضوع است.

معاون خدمات شهری شهرداری کرمانشاه با تاکید بر ترویج فرهنگ حفظ زیباسازی شهر، عنوان کرد: هر ساله دهها میلیون صرف پاکسازی دیوار نویسی‌ها و تبلیغات می شود و این بحث با شرایط اقتصادی موجود ضربه مهلکی به خدمات شهری وارد می کند. وی ادامه داد: ساماندهی تبلیغات شهری یکی از اولویت هاست که در این زمینه نیاز به مشارکت و یاری مردم داریم.

راه اندازی سامانه مدیریت پروژه های عمرانی در استان کرمانشاه

مدیرکل راهداری و حمل و نقل جاده ای استان کرمانشاه از راه اندازی سامانه مدیریت پروژه های عمرانی در استان کرمانشاه خبر داد.

به گزارش آوای پرآو به نقل از اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای استان کرمانشاه مهندس فریرز کرمی گفت: سامانه مدیریت پروژه های عمرانی به منظور ساماندهی جامع درخصوص ایجاد اطلاعات،بررسی،ثبت وکنترل پیشرفت پروژه های عمرانی تحت شبکه بکار گرفته می شود.

وی اظهار داشت: این سامانه با امکان دسترسی مدیران،کاربران سازمانی، پیمانکاران، ناظرین و مشاوران مرتبط با این موضوع در سطح کشور طراحی شده است. فریرز کرمی گفت: با توجه به تهیه و راه اندازی این سامانه در سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای کشور و دستور ابلاغ آن به استان هاآموزش کاربران و نحوه بهره برداری از این سامانه در استان کرمانشاه برگزار شد. وی در پایان اظهارداشت: هدف از برگزاری دوره آموزشی سامانه مدیریت پروژه های عمرانی،شفاف سازی اطلاعات، بایگانی الکترونیکی،حذف اسناد کاغذی، دسترسی آسان مدیران استانی و ستادی به اطلاعات و گزارش گیری از پیشرفت فیزیکی و ریالی از پروژه ها و قراردادها را از جمله اهداف برگزاری این دوره آموزشی عنوان کرد.

آغازفراخوان جذب سرمایه گذاران بخش خصوصی برای ساخت و توسعه تیرپارک ها

به گزارش آوای پرآو به نقل از روابط عمومی اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای استان کرمانشاه،مهندس فریرز کرمی بر ضرورت ارائه بهتر خدمات مورد نیاز به رانندگان ناوگان باری ترانزیتی(ایرانی و خارجی) در محورهای این استان بخصوص در محورهای ترانزیتی تأکید کرد.

وی گفت:یکی از اولویت های سازمان در راستای افزایش ایمنی تردد و پیش بینی امکانات رفاهی لازم جهت استراحت رانندگان ناوگان عمومی بار در طول سفرساخت و توسعه تیرپارک ها به خصوص در مغیاس کوچک می باشد.

مهندس کرمی بیان داشت: علاوه بر دو منظوره نمودن مجتمع های خدماتی-رفاهی (مجتمع و تیرپارک) به منظوراستفاده از ظرفیت ها و پتانسیل های موجودادغامانی درخصوص جلب و جذب سرمایه گذار بخش خصوصی صورت می پذیرد. وی ضمن دعوت از سرمایه گذاران بخش خصوصی برای احداث تیرپارک ها افزود:این سرمایه گذاران می توانند درخواست خود را جهت سرمایه گذاری در این زمینه به صورت موردی وبا زنجیره ای به این اداره کل اعلام نمایند.

بررسی وارائه راهکاربرای حل مشکلات بازارچه مرزی سومار

درجلسه ای که با حضورمهندس بازوند ، استاندار محترم و تعدادی از مدیران دستگاه‌های اجرایی و شرکتهای خدماتی استان در محل بازارچه مرزی سومار برگزار گردید، مشکلات بازارچه مرزی سومارمورد بحث و تبادل نظر حاضرین جلسه قرارگرفت.

به گزارش آوای پرآو به نقل از روابط عمومی محابرات منطقه کرمانشاه،در این نشست که مهندس قبادیان، مدیرمخابرات منطقه کرمانشاه نیزحضورداشت،گزارش اقدامات انجام شده قبلی در این بازارچه ارائه و تصمیمات مقتضی جهت ایجاد زیرساختهای مورد نیاز و تسهیل در امور مختلف بازارچه اتخاذ شد.

براساس این گزارش،مدیرمخابرات منطقه کرمانشاه پس ازارائه گزارش ومشکلات پیش رو،آمادگی مخابرات استان رابرای ایجادزیرساختهای موردنیاراعلام داشت.

گفتنی است با توجه به مصوبات قبلی و برنامه ریزی های انجام شده، رفع موانع اجرای فیبرنوری مسیر قصرشیرین به بازارچه سومار و نیز ایجاد ۶ سایت جدید تلفن همراه اول(BTS) در مسیرهای گیلان‌غرب به سومار و نیزمسیر قصرشیرین به سومار در این جلسه تصمیم گیری شد.

به مناسبت پر کشیدن شاعر به دیار ابدیت،پنج شنبه ۲۲ آذر ماه ۱۳۹۷

خوانش شعرهای منصور خورشیدی

... سفر از کدام سو آغاز می‌کنی؟ ...

سریا داودی حموله

ـ از من سوم / همزاد رمیده‌ام / حروف نام را / در خطابه‌ی پیامبران می‌خواند / مجنون پریشان کدام قبیله‌ای / که خیمه روی هوش می‌زنی / آن‌گاه نیمی پر / نیمی پرنده / روی صخره‌ها / پرواز تازه / آغاز می‌کنی / زمان در رگان من / رؤیای سپید را / به ایمان خاک می‌سپارد / شبی که شعر / به اشارت انگشت / روی گونه‌های تو / می‌ریزد. / «آبی ناگهان»

منصور خورشیدی با همگرایی نأویلی درصدد رابطه‌ی کشف و شهود بین کلمات و عبارت‌هاست. تکثرگرایی هم پیوند مدلول‌های «ذهنی ـ عینی» می‌باشد و ارتباط ملموس و محسوس با انتزاع و پدیده‌ها متناسب بافتار شعرهاست.

عناصر «تراژیک ـ دراماتیک» منجر به تشخص‌های زبانی می‌شود. رابطه‌ی «طبیعت ـ انسان» و «معنا ـ فرم»، پیرو ساختارهای فرمالیستی است. شاعر با قراردادهای زبانی به اشیاء و پدیده‌های محسوس با همان ظرافتی اشاره می‌کند که بر پدیده‌های غیرمحسوس دلالت دارد.

در زمینه‌ی کاربردی، کلمه شیئی است که رنگ دارد، محسوس است، حواس را متأثر می‌کند. شاعر با خلق تصاویر بدیع به سمت آشنایی‌زدایی‌های «لفظی ـ معنایی» می‌رود، با کشف عناصر نامتجانس به پدیده‌ها جان می‌بخشد و با پیوند بین تقابل‌های تعارضی، هستی و هست مندی را در عمیق‌ترین لایه‌های معنایی به تصویر می‌کشد.

«آبی ناگهان»

در مجموعه‌ی «آبی ناگهان» (۱) دغدغه‌های فردی و اجتماعی، و تلفیق هنجار و ناهنجاری، خودآگاه و ناخودآگاه تبدیل به بوزه می‌شوند.

زبان ساختاری غیر از معنای اصلی معناهای دیگری را هم به ذهن متبادر می‌کند، زیرا وضعیت چند بُعدی کلمات، ظرفیت‌های معنایی را گسترش داده است:

ـ با من کبوتر و بال / با تو پروانه‌های خیال / با او این نامه‌ای بسیار / آسان‌تر از نسیم / در کشف باد / خانه می‌کند / ناگهان حس پرواز / به سرعت ثانیه / ضمیر مضطرب ما را / در گودی شانه‌ها می‌نشاند. / «آبی ناگهان»

خورشیدی با «آبی ناگهان» از زبان شعر مجموعه‌های قبلی (۲) عدول کرد. معناهای نهفته در کلمه حاصل لایه‌های چند وجهی ساختار روایی اند. زبان با تشخیص و آشنایی‌زدایی‌های لفظی برجسته می‌شود و ایجازمندی در تقابل «عشق ـ مرگ» و «عقل ـ عشق» در ساختار عمودی کاملاً مشهود است.

پیوند مرموز بین کلمات، اشیاء و پدیده‌ها ناشی از قدرت خلاقانه ی شاعر است. از این جهت بار اصلی شعریت (poematic) بر محوریت معنا می‌چرخد:

ـ این سنگ‌های ساکن / با نوازش دستان تو / نفس می‌کشند / هنگامه ی خزیدن / میان رودخانه های دراز / زیر لبوه درختان / که سر در آسمان و / سایه در آب دارند. / «آبی ناگهان»

تصویرگرایی درمضامین «عشق ، مرگ» از ویژگی های شاخص شعرهاست. ساختارشکنی‌های زبانی، فضایی تصویری دارند و تلفیق انگاره های محسوس و انتزاعی از ترکش‌های زبانی این نوع فرم محسوب می‌شود.

تصاویر تشبیهی «شعر ـ موسیقی» بازنمودی از تقابل‌های «عشق ، عقل» است، که برای پرهیز از برداشت های تک معنایی،باید به محورهای هم‌نشینی (ترکیبات کلمات) و محورهای جانشینی (انتخاب کلمات) پدیده ها دقت کرد و برای گریز از ناهنجاری و کنشگرهای رایج فرمی، به مفاهیم انتزاعی نیز توجه داشت:

ـ در قامت تو / قد می‌کشد / حقیقت اشیاء / و لال می‌نشیند واژه‌ها / سنگین می‌شود / حنجره از زخم نفس‌ها / کیست که فرزانگی را / هنگامه‌ی سقوط / در فراز آسمان / فریاد می‌زند. / «آبی ناگهان»

موسیقایی متن برخوردار از ویژگی‌های قراردادی زبان است، شاعر همه‌ی احساسات خود را پای کلمات می‌ریزد تا هارمونی موجود سبب کشف ظرفیت‌های ساختاری شود. در این شگرد و تمهیدها عینیت بر ذهنیت مقدم است و مؤلفه‌های زبانی از زایندگی و نوپدگی برخوردارند.

کلمات در این گونه شعر علایم قراردادی دارند، پیوند رارآلود بین «کلمات ـ اشیاء»، «کلمات ـ انسان» و «کلمات ـ طبیعت» به دریافت‌های حسی مخاطب بستگی دارد:

ـ جهانی زاده می‌شود / میان چشم‌های خیس / وقتی جان / از زمین و زمان / پَر می‌کشد / راه، چه کوتاه / وسط دو نگاه / دهان باز می‌کند / برای نماشا. / «آبی ناگهان»

بعضی محسوسات در «آبی ناگهان»، نقش کلیدی دارند که فهم آن‌ها به دیالکتیک فراشخصی وابسته است. تناقض در بافتار شعر ناشی از تقابل‌های دوگانه و چندلایگی زبان تصویری است. شاعر / راوی سعی دارد شعریت را بر ساختار زبان متمرکز کند، در بکار گیری پدیده ها نهایت ظرافت را به کار می‌برد، اما فرم و محتوا در جدال بعضی مضامین رنگ می‌بازند.

پل ارتباطی سطرهای ساده و سطرهای پیچیده را باید در مفاهیم فلسفی ـ عرفانی جست‌وجو کرد. شاعر با کشف و شهود، راز و رمزهای هستی را می‌شکافد و با آشنایی‌زدایی‌های معنایی عناصر و پدیده ها را برجسته می‌کند.

در تقابل‌های «ذهنیت ـ عینیت»، «من» شاعرانه در پی معناهای از دست رفته است و ماهیت وجودی شعرها معطوف به نگره‌های فلسفی است. صداهای دیگر، از صدای شعر (من راوی)قوی‌تر است، زیرا راوی دانای کل راه بر دیگر صداها بسته است:

ـ بگو: باران از کدام سمت / گیسوان تو را خیس می‌کند / که تمام نسترن‌ها / سمت چپ نگاه تو / از هوش می‌روند / از کجا در نگاه تو می‌افتم / روی دست‌هایی به شکل دعا / وقتی بی‌تابی زمان / روی قاب‌ها / تاب می‌خورد. / «آبی ناگهان»

«آبی ناگهان» اتفاق تازه‌ای در کارنامه‌ی خورشیدی است، با تصاویری از گسسته گی و پیوسته گی یادها و رازها را در هم تلفیق می‌کند تا تصویری کاملاً دگرگونه از مضمون های«عشق ، مرگ را به نمایش بگذارد.»

«سجاده روی ماه بینداز»

در مجموعه‌ی «سجاده روی ماه بینداز» (۳)پدیده های «فرا حسی» و «جسارت‌های زبانی» تاثیرگذاری عمیق تر مفاهیم را به دنبال دارند.

شاعر میان عواطف فردی و حیات اجتماعی رابطه‌ی موازی برقرار کرده است. فرم و محتوا دو روی جدایی‌ناپذیر زبان هستند که با نگارش «ذهنی ـ عینی» نمود عینی پیدا می‌کنند:

ـ هوش نهان / همسایه‌ی فکرهای جوان / از فرصت سریع وقت‌های عازم / لذت از من و / نازیانه از پشت پیکر / طلب می‌کند / تا با مداد دوباره / برتاب تمنا / بوسه بر اندام ماه بنشاند / از هزار رگ آسمان / تا بهاران مجهول / دوباره رشد کند / میان خطوط درهم نازیانه‌ها / «سجاده روی ماه بینداز»

در «سجاده روی ماه بینداز» هنجار گریزی، آشنایی‌زدایی و شالوده شکنی جزو نظام زبانی است. تصاویر زنده و پویا در محوریت تشخیص می‌باشد و مضمون‌های مختلف فلسفی سبب رمزگشایی از امور انتزاعی می‌شود.

آشنایی‌زدایی‌های «لفظی ـ معنایی» در تفکر عقلی (فلسفی)نمود بارزی دارند. از لحاظ ساختار روایی ذهنیت شاعر به سمت شی ـ شعر (poem ـ thing)می‌رود. چندلایه گی معنایی و حادثه‌مندی زبانی ماهیتی شهودی دارند که در این نگرش جهان بینانه فلسفی ـ ایدئولوژیک ابعاد تازه‌ای به متن افزوده می‌شود.

ـ ترس در تن را / به شادی نهان برگ ـ سپردم و آن‌گاه / با پرسه در پیچ کوه / هم نفس آب شدم / و با گذر از سنگ‌های دیوانه / تمام رود را / تلاوت کردم / با طرحی از آسمان / در سینه‌ی دشت. / «سجاده روی ماه بینداز»

خورشیدی با عناصر حرکتی «طبیعت» [آبران، ابر، باد] و ذات «اشیاء و پدیده‌ها» تعابیر بدیعی را ارائه می‌دهد. در بافتار زبانی «دیدن، دیدار»، «چشم و آینه» از واژه‌هایی است که بسامد بالایی دارد.

برای کشف مناسبات عینی به روایت‌های امپرسیونیستی توجه می‌کند. ماهیت زبان معنایی، کنش‌مندی و عناصر ذهنی ساختار شعر را مشروط می‌کند و برای کشف جهان و مافیها به جانب واقعیت‌های حقیقی می‌گراید و با بهره گیری عاطفی بین «شعر، شاعر، کلمه» همبستگی روحی به وجود می‌آورد:

ـ سفر از کدام سو / آغاز می‌کنی / که واژه‌های مرده / به رقص فاصله می‌خندد / تو سرنوشت کدام / از کتاب جهانی / که شانه‌های تو / از افق خالی است / در ارتفاع کدام کوه / پرژاک نام تو / خط شتاب را / میان آینه می‌شکند. / «سجاده روی ماه بینداز»

تحولات «ذهنی ـ زبانی» هم بسته‌ی جنبه های زیباشناسانه و چند معنایی است. به رغم تلفیق عینیت و ذهنیت بین سطح معنایی و سطح زبانی تعادل و توازن برقرار است. عواملی چون هنجارشکنی، کنایه، ایهام، ایهام‌ایراییی و حس‌آمیزی در بافتار شعرها زمینه‌ساز چندوجهی زبان می‌شود. شاعر ساختار زبان را به اوج دانستگی می‌رساند و دانایی خویش را به رخ مخاطب می‌کشد:

ـ فاصله‌های حلوت دو چشم را / هواهای گشتن / در سیاهی و سایه / پَر می‌کند / بی سکنه و سکوت / پشت پرده‌های پریده‌رنگ / افسانه می‌شود / ماندن میان دو دیدن / در خلوت فاصله‌ها / هیاهوی رقص / اندوهی که بی‌پرده / پدید می‌شود / روی سطرهای پیاپی / در فکرهای جبوان. / «سجاده روی ماه بینداز»

خورشیدی در شعرهای کوتاه به واسطه ی ترکیبات پیوسته به دیالکتیک فراشخصی پناه می‌برد. پیوند شرطی بین سطرها حاکم است. ابعاد معنایی کلمات ناشی از آشنایی‌زدایی‌های «لفظی ـ معنایی» است:

ـ سقوط هفت ستاره / روی گور و گیاه / زیر نگاه ماه / رنگین‌کمانی / در چهارگوشه‌ی آسمان / با حلقه‌های رنگ کمین می‌کند / کنار وسوسه‌ی مردگان / تا فتنه‌های سبک / از تفکر بسته بردارد / با آمالی از مصیبت معصوم / که رعشه‌های مدام / با لرزه‌های عمیق می‌ریزد / از بال پروانه‌های پراکنده / در وادی سکوت. / «سجاده روی ماه بینداز»

گرچه دریافت هر فردی از «طبیعت، اشیاء، پدیده‌ها و هستی» متفاوت است ، به طور طبیعی در نگاه هر منتقدی وجهی از ظرافت های شعری نامکشوف می‌ماند، زیرا پدیده‌های عالم واقع ماهیت ویران‌کننده‌ای دارند.(۴)

شعر منصور خورشیدی بیش‌تر بر شم و تجارب فردی بنیان نهاده شده است .شاید از لحاظ ساختار زبانی، وجه اشتراکاتی با شعر دوره های مختلف ادبی داشته باشد، اما عناصر شعری به دیدگاه‌های بدلانه رویایی در «شعر حجم » کمتر نزدیک است!

بعید نیست شکل نگاه کردن خورشیدی و رویایی به یک منظره‌ی واحد ، وجه افتراق و اشتراکی داشته باشد،همان طور که در یک علت غایی، علت‌های دیگری نهفته است.

خورشیدی با رگه های تقابلی و تقارنی به مفاهیم هستی و هست مندی می اندیشد . دریافت‌های «ذهنی ـ عینی» واقعیت‌های بیرونی را منعکس می‌کند. اگر کسی شیئی (مثلاً یک سکه) را از دور نگاه کند، کوچک به نظر می‌رسد،اگر از نزدیک نگاه کند، بزرگ‌تر به نظر می‌آید، و چنان چه از روبرو گرد به نظر می‌آید.پس دریافت‌های مخاطب از لحاظ ساختاری شکل‌های گوناگونی دارد. مهم این است که شاعر از چه منظری یا ذهنیتی به اشیاء و پدیده‌ها نگاه کند. شعر منصور خورشیدی ترکیبی چندگانه از جریان های مختلف شعری است. گاه چند حواس را همزمان تحت تاثیر قرار می دهد که در این صورت «شعر دیگر» را رقم می زند ، گاه وحدت فرم و معنا منجر به تشخص زبان می شود که در این شکل به طرف «شعر»موج ناب» گام برمی دارد. گاه به واسطه ی چند مفهومی، زبان تصویر را به «شعر حجم» نزدیک می کند:

ـ میان ظهر علف ها / قیامتی از فراز بلندی / انبوه خاکستر/ روی قامت بلند باد / می ریزد میان تاریکی / صف ستون های درختان / معلق می ماند / لمندترز از تاب نیلوفر. / «سجاده روی ماه بینداز»

پی نوشت:

۱- آبی ناگهان، نشر فصل پنجم، چاپ اول ۱۳۹۳.

۲- خورشیدی مجموعه‌های «خطبه‌های کهنسال کودکی ۱۳۷۷» و «از فکرهای با تو ۱۳۸۰» هم در کارنامه دارد.

۳- سجاده روی ماه بینداز، نشر نصیرا، چاپ ۱۳۹۳.

۴- «حقیقت زشت است، ما هنر را در اختیار داریم تا حقیقت ویران‌مان نکند» فردریش نیچه

شعر

سروده هایی برای منصور خورشیدی

یارمحمد اسدپور

مرگ !
مرگ !
هول وهراس .
به صبح هاپی ست !
که دست می چرخانی و
دست می چرخانی !
ستاره ستاره را
آواز می دهی و
پریشان وپشیمان !
مرگ !
نشستن یک بوف برشانه ست !
مرگ !
یک پاییز ست
که همه ی ماه هاش
ریزش است و خاک !
مرگ !
یال آدمی ست به خاک !
مرگ !
یک گر گرفتن ناگهانی ست !
مرگ !
گلویی ست
همه ی آوازهاش
تاریک تاریک است !
مرگ !
یک خاموشی تحمیلی ست !
که هیچکس باورش نمی کند !
نه زنده باد و
نه زنده نام !
مرگ !
مرگ است !
بانقطه ای سر سطر !

کیوان اصلاح‌پذیر

در سوگ غروب منصور خورشیدی و در ستایش طلوع شعر

سرمایه گذاری روی " خورشید" با "یای " نسبت به مادام العمری بیمه ی واژه ها با نور انجامید ... سایه بخشی از قرارداد نبود آقای تقدیر ... جگر همیشه خون به دهان بود از قافیه های تنگ تا دهلیزهای حجم .. افسوس به سوسو افتاده از متاساز سایه به سلول هایی که می گوید بنویس مرا ای شعر .. چنگال تصاعد هندسی در بلوغ واژه های حسابی در کتاب نیمه تمام لبخند .. آفتاب آفت زده در خرچنگ کسوف .. اُف .. اُف .. اُف بر متاساز و خرچنگ و سایه های منتشر در جان .. پرچم واژه هایت سوسوی نئون های صنعت و ساعت نیست .. عقربه ها در شعر تو بی تاریخ امضا ء می کردند (می کنند) دقایق واپسین (پیشین) را .. خورشید نقاشی ها که غروب نمی کند (آن هم به روایت بوم در دو وضعیت میهن و تابلوی سفید منتظرالقلم) .. جای آن دارد که بنویسم نون والقلم .. شعر تو نقاشی بود به جان خودم که منصور است تمام تو در قافیه های قالی نیمه تمام حلاج ...شناسایی تو در واژه ها به جاودانگی زبان ما و شما (حداقل تا تصدیق هستی به زبان خانه گی) اقرار می کند ...

پنج شنبه ی بی جمعه در آذر بی آتش یکهزار و سیصد و نود و هفت خورشید حک شده بر دیوار دیوان ها

شیراز

علیرضا پنجه‌ای

جاده‌ی مرگ نفس‌گیر است

در مرگ خورشیدی مهربان

نفس‌گیر
جاده‌ی مرگ

کنار سکوت
روانه شدن رو به‌تن‌هایی تنها
در همیشه‌ی ممکن
ممکنی‌ست همیشه کنار مرگ
جاده نفس نفس ن..ف...س
بگیران
بگیران
به...گ ی ر ان.. آن ...
آ...ن
...
نون!

والقلم و ما یسطرون

جلیل قیصری

قرار به بی قراری دوباره ی خورشید
گلو و طلوع
حجم زمستانی بنفشه و بیداری نرسید
نتوانست گلوی نانمامش را بخواند
تیرنگ تپه های شمالی
الهی بمیردمرگ .

آیدا مجیدآبادی

پدر آبی های ناگهان من. پدر همیشه
های شعر و هنوز سرودنها
قرارمان این نبود! قرارمان بهار که بیاید
بود و ملاقات رؤیای اردیبهشت
انگشتانم مسیر صدایت را گم کرده اند.
کدام شماره را بگیرم که به لبخند
گرم تو ختم شود؟
که پرنده ی سبز صدایت از تبض جنگل
های شمال بگذرد و در قلب باغهای
ارومیه بنشیند
که دوستم بداری به جای دخترت که
هیچگاه به دنیا نیامد

و به دست نوازشت تاج افتخار بر
گیسوان شعرهایم بگذاری
که با خورشیدی ترین سکوت برایم
بخوانی:

«دختر همیشه بهاری من، آیدا
مستانه پر می کشد بغض تو از زیر
پلک ها
پر می شود فضای دو چشم از هوای
ماه»
و پس از یک مکث ادامه دهی:
«در فاصله ی دو دیده»
هزار آینه از نفس می افتد.
حالا من کجای دلم را بگیرم که اینقدر
برایت تنگ نشود؟
کجای بغضم را که پشت پای رفتنت
باران نگیرد؟
حجم رفتنت در هیچ شعری نمی گنجد،
و من هنوز با خودم می گویم: باور نکن
روزنامه ها همیشه دروغ می گویند...

فرزاد میراحمدی

برای منصور که عزیز بود و به حرمت خاک اعتنای پرواز داشت

مردی که شعاع نسترن از شکل غائب
می دوخت ...یاران را تنیده تلفظ می کرد
...هذیا ن غلیظ خرچنگ بود و دهل های
موازی باد که شدن را به انحنای چند مورب
گاهی می سپرد ...خیانت خرچنگ آغاز
پریشانی حروف باشد ، حواس مستطیل را
به دفن لغت سپردن ؟ ...مردمک گوزن به
استعداد کوه خیره ی خورشید میشد ...

علی مومنی

دیشب میان خواب
در ظرف میوه ی یلدا ،کنار انار...
یک میوه ی جدید بود
که صاحب خانه انگار
با برگ توی ظرف چیده بود
با برگ ،نه
با درخت...
از آن درخت های خانه ی منصور
جعفری خورشیدی
که هر سال یک میوه ی جدید می داد
یک سال "پروانه های پراکنده"
یک سال "آبی ناگهان"
حالا میان خواب
تنها نشسته ام
با ظرف های پر ازمیوه ی درخت های
خانه ی منصور...
با برگ هایی که صاحب خانه نمی داند
نام آن میوه
جدید چیست

رضا روزبهانی

گریز حجم تهی، از نور
و ناگزیر مرگ که تمامی تهی را
لبریز می‌کند
گذار نور از حجم تهی
و مرگ
که تمامی ته‌ماندی ناگزیر را
در فنجانی استخوانی
سرریز می‌کند از سکوت
از سکون
سکوی قعر
که وارونه می‌روید از نور
دست می‌برد به ریشه‌های برنیامده
دست می‌برد به ریشه‌های ریشه‌های
هنوز فراونده از کتمان عدم
و دست بردی در عدم
عدم را همچون خورشیدی بر تارک
سیاهی افشاندی
و دست بردی بر تارک سیاهی و کلمه‌ها
را بر تارک نور پاشیدی
و دستبردی زدی و عدم را از نو در کتم
عدم فرو غلتیدیدی؟

نه. ندیدمام به پیر به پیغمبرا

این بار با باران می آیم

دل آرا فریدیان

با باران تند و ریز صبح پنج شنبه بیست آذر می افتم روی یک درخت کاج درست وسط اشیانه ی زاغچه ها. یکی از زاغچه ها هنوز بچه اش زیرم و له می شود. بقیه پرواز می کنند. نوک زاغچه ای که زیرم مانده فرو می رود تو پوست و گوشت شکمم و زخمش می کند ولی نه درد دارد و نه خون می آید. می نشینم و به خودم نگاه می کنم. قد و هیکلم خیلی کوچک است. درست به اندازه ی یک نوزاد یک روزه. انگار دوباره به دنیا آمده ام. لخت و عور با جریان تند باران. آن بار هم لخت و عور به دنیا آمده بودم منتها با جریان آب گرم رودخانه. این بار افتادم روی یک زاغچه و نوکش شکمم را زخم کرد. آن بار افتاده بودم توی دستهای نیرم و گوشتی ننه آنا. به پایین تنه ام نگاه می کنم. پسرم. آن بار دختر بودم.

هنوز هوا تاریک است. صدای باز شدن در ساختمان بالای حیاط را می شنوم. چراغ ایوان روشن می شود. نورش زیاد نیست ولی انقدر هست که بتوانم چهره ی کریمه آقا بالا خان را ببینم. پس درست آمده ام. اینجا خانه ی خاله بیرگل است. آقا بالا خان با لنج لنج ضمایمی هاش می رود سر حوض تا دست نماز بگیرد. در عرض این دو سال که ندیده امش هیچ فرقی نکرده! مثل همان روز ها موهای تنکش را حنا گذاشته و شکمش موقع راه رفتن تکان تکان می خورد. نگاهی به آسمان می اندازد انگار می خواهد ببیند باران می آید یا نه. چشمش که به من می افتد همین طور خیره می ماند. باز هم نگاه وحشتناکش مرا به لرزه می اندازد. نیشش باز می شود و داد می زند:

- آهای بیرگل، بیا ببین یک بچه نشسته رو درخت!

بله خودش است، همان صدای دورگه و جیغ مانند. دور حیاط چشم می گردانم همه چیز به همان شکل قبل است؛ یک درخت کاج کنار حوض، چند درخت سیب ته حیاط و پشت درخت های سیب، یک قفس پر از مرغ و خروس. خبری از خاله بیرگل نیست. آقا بالا خان دوباره داد می زند:

- آهای بیرگل بیا توام. بیا ببین یک بچه زیر این باران رفته بالای درخت کاج نشسته. بیا دیگر.

صدایش مثل یک چاقو گوشت تنم را می خراشد. انگار همان دختر سیزده ساله ی دو سال پیش ام و پشت درختهای سیب گیر افتاده ام. صدای خواب آلوده ی خاله بیرگل بلند می شود:

- چرا پرت و پلا می گویی مرد. کله ی سحر، تو این باران و سرما، بچه بالای درخت چه کار می کند؟

- صدات را بپر و آن هیکل خرست را تکان بده بیا خودت ببین.

و بعد به طرف درخت می آید. دستش را دراز می کند مچ پایم را بگیرد. پایم را پس می کشم. می گیرد و محکم می کشد پایین. پوست پشت رانم خراشیده می شود. می افتم توی بغلش. مرا تنگ به خودش فشار می دهد.

مرا به خودش فشار می داد. می خواستم فرار کنم ولی با وجودی که سیزده ساله بودم زورم به اش نمی رسید. مرا کشید پشت درخت های سیب کنار قفس مرغ و خروس ها. سعی می کردم جیغ بزنم ولی دهانم را سفت گرفته بود.

این بار اما دهانم آزاد است و راحت جیغ می کشم ولی انگار نمی خواهد آزارم کند. داد می زند:

- بیرگل، پسر است! پسر است! خدایا شکرت. بعد آن شش تا دختر حل و چل یک پسر به ام دادی. بیا نگاه کن بیرگل، آسمان را می گذارم گل اوغلان.

خاله بیر گل مرا در بغل می گیرد. می بوسد و می گوید:

- چه پسر خوشگلی! الهی دورش بگردم. بریم تو الان سرما می خورد. این وقت سحر، زیر این باران، کی بچه اش را ول کرده سر درخت و رفته؟

- دهنت را ببند. گفتم که این پسر را خدا برام فرستاده است. یکبار دیگر از این حرف ها بزنی دو روز و دو شب می اندازمت تو خلا.

بعد ازصبحانه، وقتی آقا بالا خان از خانه می رود بیرون، خاله بیرگل می رود سراغ مامان و می آورش. انگار مامان هنوز رخت عزا را که بعد از مرگ من پوشیده، درنیاورده است. چرا موهای سرش همه سفید شده؟ آخرین روزی که دیدمش، وقتی تلاش می کرد مرا از زیر دست و پای آقا جان و برادرهام بیرون بکشد، همه ی موهاش سیاه بود. برادرهایم کتکم می زدند. می خواستند بدانند بالا آمدن شکم من کار کی است تا جگرش را درآورند و بیندازند جلوی سگ مان گرگو. هرچه مشت و لگد خوردم، دهان باز نکردم. می ترسیدم. آقا بالاخان گفته بود اگر لب از لب باز کنم سر مامان و آقاجانم را می برد و می گذارد لب ایوان. بالاخره شکمم له شد. سر گوسفند را هم که بیرون انبقدر خون نمی آید. مرا انداختند عقب وانت و رساندند به درمانگاه. دکتر درمانگاه تا معاینه کرد، به مامان گفت:

- دبر آوردیدش. تمام کرده است.

مامان جیغ زد و صورتش را خراشید. چنگی زد به روپوش سفید دکتر که داشت از اتاق می رفت بیرون. گفت:

- نمی شود بفرستیدش تبریز؟

دکتر جواب داد:

- مگر در تبریز مرده را زنده می کنند؟ دخترتان مرده است. دیگر از دست کسی کاری بر نمی آید.

خاله بیرگل مرا می دهد بغل مامان ومی گوید:

- می بینی ماشالله چه بچه ی درشتی است! انگار تو همین یک ساعتی که پیدایش کرده ایم دو سه سال بزرگ شده!

مامان مرا می بوسد و می بوید و می چسباند به سینه اش. بغلش به گرمی همان روزهاست. به خاله بیرگل می گوید:

- بوی قرتل حودم را می دهد. حتما خدا این پسر را جای قرتلم که ازم گرفت فرستاده است .

خاله بیرگل مرا از بغل مامان قاپ می زند، پشتش را به مامان می کند و می گوید:

- تو ماشالله هزار ماشالله پنج تا پسر داری .

- حالا که دو سال است گوشه ی زندان خوابیده اند.

- هر چه باشد پسر های تو اند. خدا این را برای من بدبخت فرستاده که یک عمر چشم انتظار یک پسر بودم که این دیوث بی همه چیز سرکوفتم نزند.

خاله بیرگل هم قرقی با آن پیش تر ها نکرده است. همیشه آقا بالا خان را همینطور صدا می کرد: دیوثِ بی همه چیز.

مامان نم گوشه ی چشمانش را با چارقدش پاک می کند و می رود. خاله بیر گل و دختر ها مشغول کارهای خانه می شوند و به نوبت از من مواظبت می کنند. من هر ساعت که می گذرد بزرگتر می شوم. هنوز غروب نشده که نوزده ساله می شوم.

شب که آقا بالاخان می آید خانه، اولش مرا نمی شناسد و فورا سراغم را می گیرد. بعد با آن چشم های دریده نگاهم می کند. دستی به سرم می کشد و شکر خدا را به جا می آورد که بالاخره گوشه چشمی هم به او داشته و او که تا دیروز شش تا دختر سفیه داشته هنوز یک روز نگذشته صاحب یک پسر رشید شده است که همه ی پیرهای مسلمان را حریف است. من و خاله بیرگل و دختر هایش نشسته ایم دور کرسی. قزیس، کوچکترین دخترخاله، روبروی من نشسته و زیر چشم مرا نگاه می کند. هر چه سعی می کنم نگاهش نکنم نمی توانم. هروقت چشم تو چشمم می شویم، سرش را پایین می اندازد و من داغ می شوم. همان حسی را دارم که آن وقت ها که دختر بودم و با عباس، پسر همسایه، رخ به رخ می شدم. یادمایم را زیر کرسی حرکت می دهم تا پای قزیس را لمس کنم. نرمی سافش نفس هایم را به شماره می اندازد. پایش را پس می کشد و بلند می شود که برود. آقا بالا خان دستش را می کشد و می گوید:

- کجا می روی تن لش؟ بنشین . یک انار دان کن بگذار جلوی گل اوغلان.

بعد یکی یه قلیانش می زند و رو به خاله بیرگل داد می زند:

- بلند شو، تن ات را ببر شام مرا بیاور. مردم از گرسنگی.

خاله بیر گل و دخترهای بزرگتر می روند به آشپزخانه توی زیرزمین. حالا فقط من و آقا بالاخان و قزیس هستیم. آقا بالاخان چرت می زند. الان موقع مناسبی است که کارم را انجام دهم. این همه راه از آن دنیا آمده ام که همان بلایی را که سرم آورد به سرش بیاورم. تو همین چند ساعت که برگشته ام آن قدر زورم زیاد شده که هر کاری بخواهم می توانم انجام دهم. می توانم پکشم اش همان جا. کنار قفس مرغ و خروس ها و کار را تمام کنم. دوباره نگاهم به نگاه قزیس گره می خورد و داغ می شوم. انگار همه ی خون تنم در بالای راسم جمع شده.

خاله بیرگل قزیس را صدا می کند که برود مجمعه ی غذا را از لب ایوان بیاورد. قزیس نگاهی به من می اندازد زیر لبی می خندد. بعد از جایش بلند می شود، پیچ و تابی به هیکلش می دهد و به ایوان می رود. به آقا بالا خان نگاه می کنم. تو چرت است. سعی می کنم بروم سراغ اش ولی بی اختیار می روم دنبال قزیس.

چیستیِ هستی از نگاه بیژن جلالی

ابراهیم محبی

هستی شناسی و جهان نگری هنرمندان مهمترین مولفه برای کشف زرفساخت اثر و عواملی است که باعث آفرینش اثر هنری شده است، برای مثال ذهنیت طبیعت گرای منوچهری دامغانی، از او بزرگترین توصیف گر طبیعت در شعر فارسی ساخته است،برای منوچهری طبیعت در مرکز اهمیت است. فردوسی را به یاد بیاورید برای فردوسی ایرانیت در مرکز اهمیت است. برای شاعری سیاست و برای شاعردیگری اخلاق. این مسأله بدان معنی نیست که مثلا فردوسی به طبیعت توجه ندارد یا به عشق یا به اخلاق. فردوسی نیز به همه اینها توجه دارد، جلوه های غنایی شعر فردوسی کم نیست اما ناگفته پیداست که مهم ترین مسأله برای او احیای هویت ملی است که ضرورت زمانه ی اوست. پرسشی که سعی داریم در این مقاله برای آن پاسخی پیدا کنیم این است که برای بیژن جلالی چه چیزی در مرکز اهمیت است؟ شعر جلالی برآمده از چه نوع هستی شناسی است؟ و تاثیر هستی شناسی او بر زبان،اندیشه،ساختار و کل عناصر شعر او چیست؟ در یکی از شعرهای جلالی می خوانیم:« خداوند با خاک آب و آسمان/ آوازی سروده است/ که ما آن را جهان نامیده ایم...» (بازی نور ص۴۹) از دید جلالی جهان سروده شده است. جالب است که این نوع هستی شناسی یعنی هستی شناسی مبتنی بر سرایش جهان توسط خداوند، مسبوق به سابقه است. رد پای این تفکر را هم در متون مذهبی و هم در متون فلسفی میتوان پی گیری کرد از عهد عتیق گرفته تا قرآن و از شاعری چون ناصر خسرو گرفته تا فیلسوفی چون بارکلی، تفکر جهان به مثابه ی متن سابقه دارد. فیلسوف دیگری که تفکراتش در این زمینه بسیار حائز اهمیت است هایدگر است. هایدگر در کتاب «منشا، اثر هنری» زبان را عامل دگرگونی تاریخ می داند. از دید هایدگر هستی سروده شده است و توسط انسان در هر دوره ی تاریخی به گونه ای دیگر تفسیر می شود انگار دوره های مختلف تاریخی تنها به سبب دگرگونی زبان از هم متمایز می شوند، شیوه تلقی هر دوره از زمان، تاریخ جدیدی می سازد به عبارت دیگر تاریخ تابع تحولات زبانی است اگر چنین باشد مگر نه اینکه جهان می تواند از طریق ذهن و زبان شاعران به جهانی کاملا متفاوت با آنچه در معرض دید ماست تبدیل شود؟ ذهن و زبان جلالی جهان دیگری را خلق می کند. در شعر جلالی تعین و عدم تعین،هستی و هستی،موتیف هایی هستند که مکررا با آن برخورد می کنیم. ماهیت وهمی جهان،شعرگونگی هستی،جهانی که از کلمات بر می آید و با کلمات ساخته می شود:

در گودال شعر/ بوده ام همه عمر/ و اگر آسمان بوده است/ کلمه بوده/ و اگر صدایی شنیده ام/ حرفی بوده است/ از شعر.(دیدارها ص۴۶)

در نگاه جلالی،کیهان یک عدم اطمینان هولناک است و این عدم اطمینان هولناک آن چیزی است که در نگاه جلالی در مرکز اهمیت است:

جهان لبخندی است/ بر لبان مرگ/ و برقی است/ در چشمان او/ جهان کلمه ای است/ که در سیاهی مرگ/ پریشان می شود.(دیدارها ص۴۱)

در پرتو این کیهان شناخت همه چیز رنگ می بازد و در سایه قرار می گیرد. سیاست امری حاشیه ای می شود، عشق رنگ و لعابی دیگر می گیرد. جلالی می خواهد در هستی شناسی متعارف انسان / مخاطب اشتغالی ایجاد کند. انگار اصرار دارد بگویدجهان انگونه نیست که شما می پندارید به همین دلیل جهان نامتعارفی را به موازات جهان متعارف ماخلق می کند بیراه هم نمی گوید مگر نه آنکه گاهت می گفت: « ما ذوات اشیاء را جز در آینه نفس نمی توانیم دید،آن هم آینه ای که هر نقشی را تا به مقتضای طبیعت خود دگرگون نسازد نمی نمایاند. به عبارت دیگر ما هیچ چیز را نمی توانیم جز در خلال زمان و مکان احساس کنیم و جز در ضمن مقولات فاهمه ی فهم و جز به وسیله ی معانی (یا ایده های) عقل تعقل کنیم روشن است که با این قیود و شروط،دیگر متعلق شناسایی ما نه عبارت است از آنچه در حد ذات خود و نفس الامر ثبوت دارد بلکه عبارت است از آنچه آن نفس ها، به ما می نمایاند. کانت اعتقاد دارد میان آنچه هست و آنچه شناخت اعلام می کند هیچ تطابقی برقرار نیست،آنچه هست در تجلی به صورت داده های حسی،جامه ی مفاهیم محض فاهمه پوشیده و به صورت پدیدار درآمده است،میان اندیشه و واقعیت تناظر و تطابق برقرار نیست و امکان منطقی با امکان وجودی تفاوت دارد.»

(کانت و مابعد الطبیعه،دکتر موسی اکرمی ص۲۷۹-۲۸۰)

جهان چه ساده است!چون داستانی است/ که کودکی / برای خود/ بگوید/ و این منطق کودکانه/ و این سادگیست/ که هیچ گاه با منطق ها/ سازگار نخواهد آمد(بازی نور ص۸۶)

دیگر گونه دیدن از نگاه جلالی،معمایی را برای ما روشن می کند و آن شیوه ی رفتار هنری جلالی در ارتباط با شعر است. جوهر شعر جلالی ماندن شاعران دیگر از دخل و تصرف در واقعیت به دست نیامده است. ما می دانیم که شاعران با قوه ی خیال با یا استفاده از کارکردهای هنری زبان،در واقعیت تصرف می کنند و شعر آنها حاصل عدول از هنجارهایی متعارف زبان است اما شعر جلالی حاصل عدول از هنجارهای زبانی نیست بلکه ادراک جلالی جهان را دیگرگونه می بیینید انگار واقعیت جهان در نگاه جلالی چیز دیگری است. دلیل اینکه جلالی به فن و تکنیک هنری هم توجه نمی کند این است که با تخیل در واقعیت تصرف نمی کند بلکه ذهنیت جلالی واقعیت را از اسباب متفاوت با آنچه هست درک می کند. جلالی منفعلانه خود را در معرض پذیرش امری قرار می دهد که امیزه ای از خیال و حقیقت است اما فعالانه چنینه واقعی پدیدارها را در التقائی فنومنولوژیکال در پرانتز قرار می دهد تا جنبه وهمی اشیاء را نیز به عنوان بعدی از امر واقع بپذیرد تا به درکی استعلایی از جهان پیرامونش دست یابد اگر چنین نبود هرگز نقیض شعری سروده نمی شد: نور ماه/ روی رود خانه ی جاجرود می خورد/ و آب برق می زد/ و من می پنداشتم/ که روحخانه/ پر از ماهی های طلایی است.(بازی نور ص۱۲۷)

یا این شعر:

در تاریک/ روشن صبح/ کسی چه می داند/که سیب ها/ میوه های درخت/ هستند/ یا /میوه های / آسمان. (روزانه ها ص۲۰۳)

صبح گاهان تنه و شاخه ی درخت در تاریکی قرار گرفته اما میوه ها قابل دیدن هستند انگار میوه ها از آسمان آویزانند نه از شاخه ها . اینجا تخیل نقش کمرنگی دارد چیزی که دیده می شود عین واقعیتی است که شاعر دارد می بیند و این موضوع که هر چه در پرتو نور باشد واقعیت دارد و زنده است و آنچه در تاریکی قرار بگیرد مرده و قابل حذف شدن است جزئی از تفکر پدیدار شناختی و کیهان شناختی ذهن جلالی است:

برق برای سوم رفت/چراغ نفتی روشن رُا/ روی دیوان فرخی سیستانی/ گذاشتم/ و خوشحال شدم از اینکه/ فرخی زنده است/ و پهلوی من است. (روزانه ها ص۲۰۵)

انگار واقعیت حقیقی اشیاء و عینیت جهان و زندگان تنها در پرتو نور واقعیت می یابد و چون نور غایب شود ماهیت اشیاء نیز تغییر می کند. این مسأله تا اینجا پیش می رود که نور رمز زندگی و شب رمز مرگ می شود:

اگر از زندگی من/ روزی را بربدند/ شبی را افزودند/ و بی نهایت شبها را می نگرم که در پیش رو دارم.

بی نهایت شبها شامل بعد از مرگ می شود که پیش رو دارد و گرنه بی نهایت شبها نبود.

نیا یادداری نور، ناپایداری تاریکی، ناپایداری زندگی، ناپایداری عشق، ناپایداری هستی و کیهان چیزی است که در مرکز اهمیت قرار دارد برای جلالی و همین ناپایداری هاست که منبع الهام شعرهای اوست:

ناپایداری عشق را می بینید:

وقتی می گوئیم عشق/ برخود می لرزیم/ زیرا عشق/ گم کردنی است/ نه پیدا کردنی. (روزانه ها ص۲۲۶)

و یا نتیجه ای که از ناپایداری برف می گیرد:

این شب برفی/ مرا به یاد رفتگان/ می اندازد/ گوئیا برفی بودند/ که آب شدند.(روزانه ها ص۳۲۱)

یا:

رنگ آب ها را دیده اید/ که چگونه تغییر می کند؟! هنگام شادی روز طلایی است/ و هنگام غم غروب / خونین می شود/ رنگ آبها را دیده اید/ که چگونه ناپایدار است؟! و رنگ آسمان را در خود منعکس می کند. (بازی نور ص۱۳۱)

ناپایداری انسان و جهان اندوهی ژرف را در لحظه لحظه ی شعر جلالی گسترده است:

ما نیز می درخشیم/ لحظه ای/ چون قطره ی آب/ که نور خورشید در آن/ تابیده است/ و سپس تمام می شویم. (روزانه ها ص۷۹)

هستی شناختی یعنی که بر پایه ناپایداری جهان و تزلزل کیهان شکل گرفته است، پُر واضح است که ناپایداری نظام هستی شناسی را به ناپایداری نظام معناشناختی تعمیم می دهد و ساختار شعر او نیز انعکاسی از شناخت شناسی جهان او خواهد بود به همین دلیل اگر در شعرهای جلالی به دنبال ساختمندی تام وتمام و ادبیتی با هنجارها و معیار های مرسوم بلاغی باشیم شعر او چنین هنجارها تعریف شده ای را خواهد شکست. جلالی در جایی می گوید: « در نوشته های من بیش از انکه امری به نام ادبیات،فن شعر و غیره مورد نظر باشد «خود شعر» مطرح است» (دیدارها ص۱۵) معنای تلویحی این جمله این است که شعر چیزی است فاقم بدلات و عبر از فن و تکنیک چرا که « خود شعر» از نگاه جلالی « خود جهان» است. جهان به همان صورت واقعی خود عین شعر است و نیاز به تکنیک و فن شاعری برای سرودن جهان نیست!

هر چند در شعر جلالی فن و تکنیک وجود دارد اما چنان در طبیعت زبان مستحیل شده است که انگار چیزی عارض بر متن نیست:

دست ستاره ای دور دست بود/ که کلمه ای از دهان تو می ربود/ یا باد بود که رقصان می آمد/ تا از دهان تو/ گلی بچیند!(روزانه ها ص۱۰۵)

تخیل،تصویر،استعاره مکنیه،تشخیص،جناس تام در همین قطعه کوچک وجود دارد اما تمام این عناصر جزئی از تنه اصلی شعر هستند و غیر قابل تفکیک.

باتن بارانی تو/ ابتدای امید من است/ و انتهای اندوه من / که چون آب / مرا تشنه می کند/ و چون خاک / مرا می پوشاند.

می بینیم که در این شعر صنعت استخدام وجود دارد «پوشاندن» می تواند به «خاک» برگردد یا به «تن» اگر «تنِ بارانی» صفت و موصوف باشد « پوشاندن» معنایی اروتیک دارد اما اگر «تنِ بارانی» اضافه ی بیانی محض باشد نه اضافه ی تشبیهی، آنگاه «پوشاندن» معنای مرگ میدهد. و اینکه می گوییم ممکن است « تن بارانی » اضافه ی بیانی محض باشد به این دلیل است که با توجه به نوع نگاه خاص جلالی به پدیده های هستی بعید نیست جلالی تصوری تنانه از خود باران داشته در هنگام سرودن شعر و خطاب شعر با خود باران باشد نه با معشوقی خاص. در این شعر نیز می بینیم که صنایع شعری در بافت متن وجود دارند اما طرز غیر قابل تفکیک در متن مستحیل شده اند. از سوی دیگر بسیاری از شعرهای جلالی ساختمند هستند و بسیاری نیز ساختمند نیستند:

مرگ می آید / با دستی چشمهای ما را/ می پوشاند/ و با دستی دیگر/ مرا می چیند. (روزانه ها ص۱۴)

کاملا شعر بالا ساختمند است اما در مقابل این شعر :

گوش فرا می دهم/تا بدانم/که نور خورشید/ روی برفهای سفید/ چگونه می خواند/ و گوش می کنم/آواز خورشید/ روشن را.(روزانه ها ص۲۲۸)

در اینجا بند آخر شعر اضافی و قابل حذف است

یا:

از غم ها آوازی می ماند/از امیدها کلمه ای/ از زندگی شعری می ماند.(بازی نور ص۳۹) که فعل « می ماند» در انتهای شعر حتو است و می توانسته به قرینه ی لفظی حذف شود.همانطور که گفته شد جلالی به دلیل ذهنیت خاص و جهان نگری خاص اهمیتی به توئین کلام نمی دهد و پیش از آنکه به دنبال فرم یا ساختار باشد مستغرق در آنات گذرنده ای است که فرجامی محتوم و تحت عنوان مرگ برای همه ی انسانها رقم زده است.

آیا مرگ اندیشی و تنهایی شدید او حاصل جهان نگری خاص اوست که از آن صحبت کردیم؟ قطعا آن جهان بینی تاثیر بسزای داشته اما دست کم دو عامل دیگر نیز در این تنهایی و مرگ اندیشی دخیل هستند. دیدرو اعتقاد داشت:« هر انحراف [غیر متعارفی در زندگی انسان] ضرورتا به تغییر کامل زندگی معنوی او می انجامد و نه تنها جهان حسی او بلکه انگاره ی واقعیت ادراکی او نیز دستخوش تغییر می شود»(کانت و مابعدالطبیعه - دکتر موسی اکرمی ص۹۶. کام نو)

به تأسی از سخن دیدرو انحراف غیر متعارف در اینجا این است که جلالی ازدواج نکرد و به نظر می رسد شدیدترین نوع تنهایی را تجربه کرده است:

تنهایی می آید/ چون عروسی/ نامش دنیاست/ تنهایی به روی ما می خندد/ نامش عشق است / تنهایی ما را در آغوش می گیرد/نامش مرگ است.(روزانه ها ص۵۷)

نوع زندگی جلالی بسامد واژگان «اندوه»،«تنهایی»و «مرگ» و امثال اینها را تا این اندازه بالا برده است:

من با تنهای خود/بلوری تراشیده ام/ به ابعاد جهان/و آن را در دریای/ اشک خود/ رها کرده ام. (روزانه ها ص۵۹)

و جالب است که خود جلالی نسبت به این مسأله آگاهی دارد که نوع زندگی او، تجربه ی متفاوتی از جهان را برای او رقم زده است :

با روح خود/ یکی شدم/ در لحظه های اندوه/ و تنهایی/ و فرصتی نماند/ تا با تن خود یکی/شوم/ در لحظه های عشق/ و بی خیالی(روزانه ها ص۷۰)

و عامل دوم این اندوهناکی و غربت شاید تاثیر قرابت و نزدیکی او با دایی اش هدایت نیز باشد انگار در این دگرگونه یافتن و دیدن جهان، دایی و خواهر زاده اشتراکاتی با هم دارند.

شعر

یزدان سلحشور

پایان مهر

باده در جام می‌رسد اما
اچیزی به من بگو!
خشت ما خام می‌رسد اما
!از انگور خیال می‌فشرم
از تو آغوش
از باران
قدم‌زدنی آرام
که همان پیر می‌شود
تو جهان را می‌بینی
گمان می‌بری که منم!!
من چه گویم که نام من عشق است
عشق...بی نام می‌رسد اما
! به فرانسه دوستت دارم چه می‌شد؟
در لبنان
نزار قبانی کت و شلوار پاریسی کلماتش را
کنار تخت‌های عربی جا گذاشت
به پارسی...تو را می‌خواهم
جوری بر من دست بکش
که عاشیقی بر ویولن چون کمانچه!
رخت چرکی‌ست زندگی ای طشت!
عمر بر باد می‌رسد اما
!برگشتم که بوسه را ببینم
چه رُخ می‌پوشاند در محله‌ی من
می‌آید
می‌گذرد
نه میوه‌فروش می‌شناسدش
نه آنکه شیر می‌فروشد
نه زیبارویی می‌شناسدش که موی از اندام زیبا بر می‌گیرد
ای بوسه‌ی نامطمئن!
تنه نزن به دهانی
که پیراهنِ سینه‌عریان شعرهای مرا در بر کرده!
! تو نمی‌آید او نخواهد...وای!
گرچه پیغام می‌رسد اما
!از سپیدی برف تا سیاهی شب
زیبارویان را دوره کردم
و این گونه
هزار و یک شب نوشته شد.
فقیهانی را می‌شناسم که هزار و یک شب می‌خوانند
گزمگانی را می‌شناسم
قاضیانی را
اما خود را نمی‌شناسم که کدام یکم؟!
دانه به کبوتر که یخ زده گفتم
دانه با دام می‌رسد اما
تو چنان باش که...جهان زیباست
گفت- یا خنده...وقتِ مردن خود- :
چه دروغی! که آسمان زیباست

غزاله زرین زاده

وقتی احساس امنیت

در روزهای زمستانی
چنبره می زند کنار بخاری
با آمدن لبو و باقالی
که قبل وقالی می کرد
در خیابانهای پوشیده از برف
و رسم ها به رنگ کدو وخرمالو
به شیرینی لحظه هامان اضافه می کردند
وقتی دانه های انار می ترکید توی دستمان
و قرمز می شد دامن مان
اولین فال حافظ
گوش به زنگ رنگ خانه هامان بود
روزهای پدری که می نشست
ومادری که می بافت خیال هایی در دلم
و هواهایی در سرم
روزهای زمستانی وامنیت پلدای بلند
بالایی که تامین می شد
با چله هایی که پدر به دورمان می بست
ومادر بود مراقب بودن هامان

آوای پراو

*مدیر مسئول و صاحب امتیاز: علی کرمی
* شمارگان: ۱۲۰۰۰ نسخه
* سردبیر: عبدالله سلیمانی
* گستره توزیع: استان های کرمانشاه، ایلام، کردستان، همدان
* چاپ: آزادگان
* آدرس: میدان غدیر مطهری شرقی جنب بانک ملی
* تلفن تماس: ۳۷۲۳۲۷۴۶-۰۸۳
Avay Paraw@gmail.com

امام صادق (ع):
اَلْمُفَوَّضُ اَمْرَهُ اِلَی اللّهِ تَعالی فِی راحَةِ الْاَبَدِ وَ الْعَیْشِ الدّائِمِ الزَّغَدِ وَ الْمُفَوِّضُ حَقّاً هُوَ الْعالِی عَنْ کُلِّ هِمَّةٍ دُونَ اللّهِ تَعالی

کسی که کارهای خود را به خدا بسپارد همواره از آسایش و خیر و برکت در زندگی برخوردار است و واگذارنده حقیقی کارها به خدا، کسی است که تمام همّتش تنها بسوی خدا باشد.

(مصباح الشریعة ص ۱۷۵)

شنبه۲۴ آذر ماه ۱۳۹۷ * ۷ ربیع الثانی ۱۴۴۰ * ۱۵ دسامبر ۲۰۱۸ * شماره نوزدهم* سال اول

مقاله

مراحل گرفتن پروانه ساختمان یا شناسنامه ساختمان

امیر گلمحمدی

۱- در مرحله اول، مالک یا وکیل ملک (فرد دارای وکالت از طرف مالک یا مالکین) با ارائه مدارک زیر درخواست پروانه خود را در دفاتر خدمات الکترونیک شهر ثبت می کند :
اصل و کپی سند یا سندهای ملک، حضور همه مالکین یا یک نفر دارای وکالت از سایرین، کارت شناسایی (کارت ملی)، برگه تسویه‌حساب عوارض نوسازی شهرداری سال‌های گذشته و سال جاری

۲- در مرحله قبل پرونده تشکیل شده و پس از تشکیل، می بایست بازدید صورت گیرد. در بازدید موارد مانند ابعاد ملک، عرض خیابان، بنای موجود، موقعیت مجاوربین در صورت داشتن مواردی از قبیل پیچ در بنا تعیین و گزارش می شود.

۳- دستور نقشه طی یک اتوماسیون اداری برای ملک موردنظر صادر شده و اطلاعاتی از قبیل ابعاد باقی مانده ملک پس از اصلاحی های موردنظر شهرداری، مساحت پس از اصلاحی، تعداد طبقات و سطح اشغال هر طبقه در دستور نقشه ذکر می شود. معمولاً طبق پهنه‌ای که ملک در آن واقع‌شده، متراژ سند (نه متراژ وضع موجود زمین) و عرض گذر، حجم ساختمان شامل تعداد طبقات و سطح اشغال آن ها تعیین می گردد.

۴- در این مرحله نقشه معماری بر اساس ضوابط مورد عمل شهرداری و دستور نقشه صادرشده برای ملک طراحی می گردد. مهم ترین مرحله در مراحل صدور پروانه، طراحی نقشه معماری است تا حداکثر توانایی طرح به لحاظ متراژ، تعداد پارکینگ و کیفیت فضاها ارائه شود.

۵- پس از رفع ایرادات ضوابطی عنوان شده از سوی دفاتر خدمات الکترونیک و نهایی شدن نقشه معماری، از سوی واحد صدور پروانه هر منطقه عوارض تراکم شهرداری بر اساس متراژهای موجود در هر طبقه و نوع کاربری آن، محاسبه و تعیین می گردد.

۶- بعد از گرفتن تأییدیه اداره درآمد منطقه شهرداری مبنی بر پرداخت و تسویه عوارض، منطقه، پروژه به مرحله پیش نویس پروانه می آید. در صورت لزوم (ساختمان بیش از ۵ طبقه) گزارش آزمایش مکانیک خاک در این مرحله و هم زمان با تهیه نقشه‌های سازه، برق و مکانیک تهیه و از سازمان نظام مهندسی تأییدیه گرفته می شود.

۷- درخواست تعیین ناظر در دفاتر خدمات ثبت و پس از عقد قرارداد با ناظر یا ناظرین باید برگه های سهمیه آن ها به انضمام قرارداد فی مابین را به عنوان ملاک تکمیلی پیش نویس پروانه به دفتر خدمات الکترونیک تحویل داد. به علاوه برگه تعهد رعایت اصلاحی، تعهد اخذ تأییدیه نما و ... نیز ازجمله مدارک پیش نویس است که باید صرفاً توسط مالک (نه وکیل) تهیه شود.

-پرونده‌هایی کهمتراژ زیر بنایی آن ها بیش از ۲۰۰۰ مترمربع باشد مشمول اجرای ماده ۳۳ نظام مهندسی ساختمان می شوند. این یعنی نقشه‌های چهار رشته معماری، سازه، برق و مکانیک می بایست به‌صورت اجرایی با داشتن تمامی جزئیات (اصطلاحاً نقشه‌های فاز ۲) ترسیم شده و از سوی سازمان نظام مهندسی ساختمان مورد تائید قرار گیرند. این پروسه زمان بر بوده و ممکن است چندین بار نقشه ها دچار اصلاح شوند. توصیه بر این است که در نقشه‌های اولیه (فاز یک) چنین پروژه هایی الزامات و ضوابط نظام مهندسی در نظر گرفته شود تا در صورت تبدیل نقشه ها به فاز ۲ اصلاحات کمتر بوده و در زمان صرفه جویی گردد.

۸- مدارک پیش نویس پروانه که باید توسط مالک تهیه و به دفتر خدمات الکترونیک ارائه شود شامل موارد زیر می باشد :
نقشه های سازه و تأسیسات برق و مکانیک به همراه برگه های سهمیه خدمات مهندسی (اصطلاحاً برگه سبز چهار رشته) ممهور به مهر مهندسین محاسب، قرارداد مالک و ناظر و برگه سهمیه ناظر، برگ تعهد رعایت اصلاحی، برگ تعهد تائید نما، فایل‌های نقشه های سازه، برق و مکانیک، چک لیست های مرتبط نظیر مبحث ۱۹، مبحث ۶ و بارگذاری، زلزله و غیره، برگه تعهد مشاور ژئوتکنیک و برگه تأییدیه گزارش خاک و چند مورد دیگر که بسته به پروژه‌های خاص ممکن است لازم شود.

۹- پس از تائید نقشه های چهار رشته پروسه اخذ تأییدیه های دفتر خدمات الکترونیک، طرح تفصیلی و بر و کفبرنیس صدور پروانه، معاون شهرسازی و معماری و نهایتاً تأییدیه شهردار به‌صورت سیستمی انجام و پروانه ساختمان چاپ می شود.
ممکن است در مرحله اولیه و پس از صدور دستور نقشه، به دلایلی نظیر تعیین کد صفر ملک، عرض بیشتر در ورودی و از این قبیل نیاز به اخذ نظر شورای معماری هر منطقه بوده و حقوق ملک تثبیت شود.

۱۰- نکته آخر اینکه زمان اعتبار پروانه ساختمان ۲ سال از تاریخ صدور است که تا ۲ سال دیگر هم قابل تمدید خواهد بود. مهلت اتمام عملیات ساختمانی هم برحسب متراژ و تعداد طبقات جدولی دارد . به‌عنوان یک معیار کلی حدود ۴ سال در نظر گرفته می شود. ممکن است در حین ساخت به دلایل مختلف نقشه معماری اولیه تغییر کند. در این صورت مراحل مشابهی نظیر صدور پروانه اولیه اما به‌عنوان پروانه تغییر نقشه یا تشکیل پرونده در دفتر خدمات الکترونیک مربوطه طی می‌شود و پروانه جدیدی صادر می‌گردد. در حین اجرا ممکن است مازاد بر متراژ پروانه،اضافه بنا داشته باشیم. در این صورت مراحل گواهی عدم خلاف طی می شود و در صورت عدم تجاوز از مقادیر مجاز خلاف عوارض معادل آن اخذ و گواهی عدم خلاف آن صادر می شود. در غیر این صورت در کمیسیون ماده ۱۰۰ مطرح و معمولا رای به تخریب داده می شود.لازم به ذکر است که مراحل فوق ممکن است بنا به شهر و زمان متفاوت باشد و این مراحل برای آشنایی کلی مطرح گردیده اند.

استاندار کرمانشاه:

همایش سرمایه گذاری استان ۱۷ دی ماه در تهران برگزار می شود

استاندار کرمانشاه گفت: همایش توسعه سرمایه گذاری استان در ۱۷ دی ماه سالجاری در تهران برگزار می شود که از ۱۵۰۰ سرمایه گذار برای حضور در این همایش دعوت شده است.

به گزارش اوای پراو به نقل از واحد خبر روابط عمومی و امور بین الملل استانداری؛ مهندس هوشنگ بازوند در نشست با مجمع نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی با اشاره به ابلاغ اعتبارات عمرانی و جاری استان در سالجاری اظهار داشت: کل اعتبارات عمرانی استانی، امسال هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان است که تاکنون ۵۶۰ میلیارد تومان آن به استان ابلاغ شده و از ۵۶۰ میلیارد تومان ۳۶۰میلیارد تومان آن به صورت نقدی و ۲۰۰ میلیارد تومان هم به صورت اسناد خزانه ای به استان تخصیص یافته است.

وی ادامه داد: اعتبارات جاری و هزینه ای استان هم ۴۱۹ میلیارد تومان است که تاکنون ۲۹۸ میلیارد تومان آن به استان تخصیص یافته است که تخصیص اعتبارات جاری در مجموع حدود ۷۱ درصد است.

مقام عالی استان بیان داشت: از لحاظ تخصیص بودجه به استان، امسال یک موضوع به عنوان طرح توسعه شرق و غرب را پیگیری کردیم که قبلا این موضوع تنها به یکی از استان های کشور اختصاص داشت و طی جلسات مختلف در تهران موفق شدیم که این موضوع را هم برای استان کرمانشاه مطرح کنیم.

وی خاطرنشان ساخت: در اجرای این طرح یکسری پروژه ها مانند آب های مرزی، مسیر راه آهن از اسلام آباد تا خسروی و ... را در آن لحاظ کردیم که توسط سازمان برنامه و بودجه کشور مورد بررسی قرار گرفته که از نمایندگان محترم مجلس می خواهیم که اگر چنین پروژه هایی در لایحه امسال مطرح نشدند تلاش کنند تا در بودجه امسال لحاظ گردد.

استاندار کرمانشاه از نمایندگان محترم مجلس می خواهیم که اجرای طرح هایی همچون طرح سردسیری، ارتقاء بازارچه سومار به مرز رسمی، آبرسانی به شهرهای گرمسیری، طرح آب بلندمدت شهرستان جوانرود و ... را در دستور کار و پیگیری های خود قرار دهند.مهندس بازوند همچنین با اشاره به برگزاری همایش توسعه سرمایه گذاری استان اظهار داشت: همایش توسعه سرمایه گذاری استان در ۱۷ دی ماه سالجاری در تهران برگزار می شود که از ۱۵۰۰ سرمایه گذار برای حضور در این همایش دعوت شده است و همه هزینه این همایش توسط بخش خصوصی پرداخت خواهد شد و هیچ هزینه دولتی برای برگزاری آن پرداخت نخواهد شد.همه مدیران بانک های کشور در این همایش حضور خواهند داشت و دکتر همتی رئیس کل بانک مرکزی نیز سخنران این همایش خواهد بود.

نماینده عالی دولت در استان گفت: در تلاش هستیم تا در برگزاری همایش توسعه سرمایه گذاری استان تفاهم نامه هایی منعقد شود تا این تفاهم نامه ها تبدیل به برنامه و سند برای استفاده از فرصت سرمایه گذاری برای کرمانشاه گردد.

وی همچنین با اشاره به صحبت هایی مبنی بر مرکزیت قرار گرفتن استان همدان در بحث راه آهن بیان داشت: مرکزیت غرب کشور در خصوص راه آهن برای استان همدان اصلا صحت ندارد و این موضوع تکذیب می شود و استان کرمانشاه همچنان تمام سرویس ها و امکانات خود را در بحث راه آهن از استان مرکزی می گیرد که در تلاش هستیم تا استان خود قادر به تامین سرویس ها و امکانات راه آهن گردد و از نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی می خواهیم که این موضوع را نیز مورد پیگیری قرار دهند.

استاندار کرمانشاه در ادامه گفت: با واگذاری سیلوهای کرمانشاه به دلیل قیمت پایین آن(۲۳ میلیارد تومان) مخالف هستیم و طبق پیگیری هایی که با وزارت جهاد کشاورزی و همچنین دیگر مسئولین دولتی داشتیم مخالفت خود را با این واگذاری اعلام کردیم و آنها هم با این نوع واگذاری مخالف هستند.

وی در پایان با بیان اینکه به دنبال ارتقاء شاخص های استان در بخش های مختلف هستیم تا هم شاهد افزایش اشتغال و رونق اقتصادی در استان باشیم، افزود: برای بحث عمران شهری اعتبارات خوبی به شهرها به ویژه شهر کرمانشاه اختصاص داده ایم و با اجرای برنامه ها و پیگیری ها قصد ارائه خدمات بیشتر در بحث عمران شهری به مردم را داریم.

با واگذاری سیلوهای کرمانشاه به دلیل قیمت پایین آن مخالف هستیم

مدیر عامل شرکت غله و خدمات بازرگانی منطقه ۹ کشور :

به منظور انجام هر چه بهتر خرید تضمینی محصولات کشاورزی سال ۱۳۹۸ ، با تشکیل کمیته فنی خرید تضمینی تمام ظرفیت شرکت به کار گرفته می شود

به گزارش اوای پراو به نقل از روابط عمومی شرکت غله و خدمات بازرگانی منطقه ۹ کشور ، مهندس رحیمی در اولین جلسه کمیته فنی خرید تضمینی محصولات کشاورزی سال ۹۸ ضمن تقدیر و تشکر از عملکرد همکاران خود در روند خرید تضمینی سال ۹۷ اظهار داشت : در فصل خرید تضمینی گذشته شرکت عملکرد بسیار مطلوبی از خود نشان داد که این امر موجب رضایتمندی کشاورزان هم استانی گردید اما بی شک نقاط ضعفی نیز داشتیم که از هم اکنون با هم اندیشی ، برنامه ریزی جهت خدمت رسانی هر چه بهتر به کشاورزان صورت می پذیرد.

مدیر عامل شرکت غله و خدمات بازرگانی منطقه ۹ کشور گفت : بر اساس تصمیم شورای اقتصاد کشور و به منظور حمایت از تولید ملی ، نرخ خرید تضمینی گندم معمولی در سال زراعی ۹۷-۹۸ به عدد ۱۶۰۰۰ ریال به ازاء هر کیلوگرم افزایش یافته است و این امر به ایجاد انگیزه بین قشر زحمتکش کشاورز و تداوم خودکفایی در تولید این محصول استراتژیک تاثیر شایانی دارد .

این مقام مسئول از مراکز ذخیره سازی سطح استان خواست تا از هم اکنون نسبت به پاکسازی و ضد عفونی کندوهای خالی اقدام نمایند و افزود : بر اساس دستورالعملها تمامی مراکز ذخیره سازی باید توسط سیستم هوادهی و دوران استاندارد ، سیستم حرارت سنج درون کندو ، دستگاه سیکلون و ... تجهیز شده باشند و عملکرد این مراکز در فصل خرید تضمینی گذشته ، تاثیر مستقیمی بر انعقاد قرار جدید با این مراکز دارد .

وی تصریح نمود: شرکت غله و خدمات بازرگانی از عموم نظرات و پیشنهادات و انتقادات بهره برداران کشاورزی استقبال می نماید و ما درخواست می کنیم در صورت مشاهده هرگونه نقصی در فرایند خرید تضمینی و ذخیره سازی محصولات ، مراتب را جهت بهبود امور به ما اطلاع رسانی نمایند .

هیچ دانش‌آموزی به دلیل فقر نباید از تحصیل دور بماند

مدیرکل آموزش و پرورش استان کرمانشاه گفت: هیچ دانش‌آموزی نباید به دلیل فقر و شرایط مادی و اقتصادی خانواده‌اش از تحصیل دور بماند.

به گزارش اوای پراو به نقل از ایرنا؛ مجید یزدان پناه روز سه شنبه در نشست کارگروه برنامه اسناد مبادی بی سوادی و پوشش تحصیلی کامل دانش آموزان در سرای اجتماعات اداره کل آموزش و پرورش استان ، به دستورات و آموزه‌های دینی در خصوص اهمیت سواد و تحصیل اشاره کرد و افزود: رسول اکرم (ص) اسیران جنگی را به شرط باسواد کردن هر فرد مسلمان آزاد می‌کردند که این موضوع بیانگر اهمیت بحث سواد در دین مبین اسلام است.

وی به نیاز اصلی جامعه که توسعه همه جانبه، پایدار و متوازن در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی است ، اشاره کرد و افزود: در این راه، آموزش نیروی انسانی از جایگاه ویژه ای برخوردار است.

وی اظهار داشت: دانایی مهمتر از مسائل دیگر در زندگی افراد است و توانایی ثمره اصلی دانایی است که امیدوارم با افزایش سطح دانش و آگاهی افراد شاهد موفقیت‌های بیشتر برای کشور عزیزمان باشیم.

او تصریح کرد در ایران اسلامی، نباید یک دانش آموز، یک استعداد، یک فردی که ممکن است در آینده مفید باشد و گرهی از مشکلات را باز کند به دلیل اینکه در روستا یا در خانواده‌ای فقیر و یا با کمبود امکانات زندگی می‌کند، از حق انسانی و از بروز توانایی‌های و استعداد خود، باز بماند.

وی شنایی و احصاء بازماندگان از تحصیل را مهمترین کار دانست و افزود: این کار نیازمند همراهی و همدلی ارگان‌های دیگر از جمله دانشگاه علوم پزشکی، کمیته امداد، بهزیستی ثبت احوال و سایر دستگاه‌های، دستاندر کار است و آموزش و پرورش به تنهایی متولی شناسایی و جذب دانش آموزان باز مانده از تحصیل نیست.

مدیرکل آموزش و پرورش کرمانشاه به موفقیت‌های آموزش و پرورش استان و رتبه اول کشوری و جهش بی‌سابقه در این خصوص اشاره کرد و از همراهی مدیر کل وی جامعه توانمند و پیشرفته را در سطح سواد و دانش افراد آن جامعه توصیف کرد و افزود: کشورهای پیشرفته جهان به این نتیجه رسیده اند که آموزش در اولویت است و روی این مهم سرمایه گذاری کردند و حتی بسیاری از این کشورها که نفت و گاز و منابع طبیعی ندارند، بخاطر توجه ویژه به امر آموزش، جهش علمی و پیشرفت اقتصادی، چشمگیر داشته‌اند.

وی به عوامل علل ترک تحصیل دانش‌آموزان دردوره ابتدایی براساس بررسی های به عمل آمده در استان اشاره کرد و گفت: براساس آمارها، فقر اقتصادی خانواده و بهره گیری از نیروی کار کودکان، عدم انگیزه دانش آموزان به تحصیل، معلولیت کودکان، ازدواج زودهنگام دختران بخصوص در مناطق روستایی و عشایری، اعتیاد و متارکه والدین و عدم داشتن سرپرست مناسب از عوامل اصلی ترک تحصیل در دانش آموزان است.

وی به اقدام های خوب آموزش و پرورش استان با کمک سایر دستگاه‌ها در راستای جذب و شناسایی دانش آموزان دور از تحصیل اشاره کرد و گفت: با تلاش آموزش و پرورش استان زمینه جذب دوباره آنها فراهم شده است.

مدیرکل آموزش و پرورش استان کرمانشاه در ادامه به راهکاری دیگر از جمله جلوگیری از ترک تحصیل پیش از پایان دوره ابتدایی از طریق تشکیل کلاس های تقویتی و جبرانی (طی سال تحصیلی)، ایجاد سامانه جامع آماری به منظور ردیابی کودکان لازم التعلیم با همکاری مراجع آماری درون و برون سازمانی در استان، توسعه خدمات درمان و بهبود اختلالات یادگیری و مراکز مشاوره خانواده با توسعه مشارکت های برون سازمانی، حمایت مالی از دانش آموزان اقشار آسیب پذیر با هدف نگهداشت آنان در مدرسه و پیشگیری از ایجاد ترک تحصیل جدید اشاره کردوی افزود: با تهیه ملزومات آموزشی و به کارگیری راهکارهای جدید و ابتکاری، در شناسایی و جذب دانش آموزان بازمانده از تحصیل و تارکین مناطق، شهرستان‌ها و نواحی استان در دوره‌ی ابتدایی با توجه به ویژگی‌ها و قابلیت‌های استان با تاکید بر استفاده از راهکارهای تشویقی و تامین سرویس ایاب و ذهاب دانش آموزان مناطق محروم، در این زمینه گام های خوبی برداشته‌ایم.

استان کرمانشاه ۲ میلیون نفر جمعیت در ۳۲ شهر و ۲ هزار و ۶۲۲ روستا دارد.

در این استان ۳۲۵ هزار دانش آموز مشغول به تحصیل هستند.

دعوت به همکاری

موسسه مشاوران کرمانشاه در نظر دارد در کلیه رشته ها و گرایش ها تا مقطع دکترا مشاور، مدرس و پژوهشگر به همکاری دعوت نماید.

علاقمندان می توانند رزومه خود را به شماره تلگرام ۰۹۱۲۹۵۴۷۹۹۰ ارسال نمایند.